

چسبندگی‌های بازدارنده

دکتر محمدعلی شامانی



نظام آموزشی قدرتمند، با تغییر در نگاه دانش‌آموزان حمله به پیش‌فرض‌هایی را که راه اندیشیدن را سد کرده‌اند، در دستور جدی برنامه‌هایش دارد!

نظام پیشرو و کارآمد تعلیم و تربیت یک نشانه جدی دارد: «یادگیری‌زدایی». در این نظام به دانش‌آموزان یاد می‌دهند که چگونه از چسبندگی‌های ذهنی فاصله بگیرند و دنیایی بر مبنای یادگیری‌زدایی آغاز کنند. باید خیلی از یادگیری‌ها را فراموش کرد. یادگیری با چسبیدن به داشته‌های دیروز هرگز حاصل نمی‌شود؛ باید دیروز را فهم کرد.

جریان بالنده یادگیری زمانی شکل می‌گیرد که بیاموزیم چگونه از آنچه قبلاً آموخته‌ایم و ناصواب است دور شویم. بسیار دردناک است جدا شدن از آموزه‌هایی که بخشی از وجود ما شده‌اند. ما هرگز نمی‌توانیم «یادگیری‌زدایی» را به دیگران بیاموزیم؛ مگر آنکه از چسبندگی به آموخته‌هایمان فاصله بگیریم. گام نخست، در این راه، پاسخ‌گویی به یک سؤال ساده است: آیا آنچه آموخته‌ام درست است؟

یادگیری همیشه و در همه حال هیجان‌انگیز است. هیجان کشف تازه‌ها، جهان شگفت‌انگیز را جذاب و دوست‌داشتنی می‌کند. میل به یادگیری را باید مثل «جان» پاسداری کرد.

بسیاری از ما سال‌هاست یادگیری را از جریان زندگی جدا کرده‌ایم و با تمام دارایی‌های دیروزمان زندگی می‌کنیم؛ در گذشته زیستن بی‌شبهت به مرگ نیست.

ما اسیر نوستالژی گذشته هستیم و تصویری که اغلب از خودمان داریم، در قاب دیروز است.

جهان پیش‌رو، جهان دیروز و امروز نیست، جهان فرداست؛ فردایی که بذرهاش در دیروز کاشته شده است، در اکنون تقویت شده است و فردا به بار خواهد نشست.

واقعیت این است که تنها جایی که می‌تواند ما را با آینده پیوند بزند، مدرسه است.

مدرسه نه به عنوان یک مکان بلکه به مثابه ذهنی پرسشگر و جستجوگر در همه زمان‌ها و مکان‌ها، در جست‌وجوی نشوندگی، پرسیدن و نوجویی است. بزرگ‌ترین هنر یک نظام آموزشی نیز همین است؛ تقویت قدرت فهم آینده!

